

خط زرد

هشدارهای پلیس درباره پیشگیری از سرقت در معابر و اماکن عمومی

- استفاده از وسایل نقلیه عمومی مانند اتوبوس، مینی بوس و تاکسی به ویژه برای بانوان اطمینان بخش تر است. بنابراین توصیه می شود در صورت تنها بودن از وسایل نقلیه عمومی استفاده کنید.
- توصیه می شود شب ها از سوار شدن به خودروهای شخصی برای تردد اجتناب کنید.
- برای تردد به مناطق حاشیه ای و خلوت در شب بهتر است از وسایل نقلیه شخصی دیگران استفاده نکنید.
- پول نقد، زیورآلات و اشیای قیمتی خود را در معرض دید راننده و سر نشینان قرار ندهید.
- در پایانه های مسافربری و وسایل شخصی خود را به افراد ناشناس نسپارید.
- از کیف و سایر وسایل همراه خود فاصله بگیرید.
- اگر برای انجام معامله ای به حمل پول نقد نیاز دارید، نزد افراد ناشناس از آن صحبت نکنید.
- چنان چه در صندوق عقب خودرو و وسایلی دارید، هنگام برداشتن آن اندکی صبر کنید و بعد از پیاده شدن راننده از خودرو خارج شوید.

سر هنگ بوستانی

رئیس پلیس پیشگیری خراسان رضوی

ازمیان خبرها

مشاور عالی رئیس قوه قضاییه مطرح کرد:

ضرورت روشننگری آرای صادر شده قضایی

توکلی = روشننگری درباره آرای صادر شده قضایی ضروری است. مشاور عالی رئیس قوه قضاییه گفت: قضات باید با «دقت، عدالت، بی طرفی و با روحیه ظلم ستیزی» پرونده ها را بررسی و آرای قضایی را صادر کنند. به گزارش خبرنگار ما، حجت الاسلام کاظم صدیقی در جمع قضات و کارکنان دادگستری استان کرمان که به صورت ویدئو کنفرانس در سراسر حوزه های قضایی این استان پخش شد خواستار روشننگری درباره آرای صادر شده توسط قضات شد.

وی تصریح کرد: نخستین دغدغه هر قاضی باید تشخیص درست موضوع و صدور احکام عادلانه باشد و آن ها باید با رفتار خود به مراجعان دستگاه قضایی و به جامعه آرامش دهند. وی یکی از ملزومات کار قضایی را روشننگری و شفاف سازی دانست و خاطرنشان کرد: گاهی قضات آرای خوبی صادر می کنند و برخورد خوبی هم داشته اند اما چون برای جامعه روشن و شفاف نشده است مشکلاتی را به وجود می آورد. مشاور عالی رئیس قوه قضاییه با اشاره به این که تضعیف فرهنگ، رابطه مستقیمی با افزایش پرونده ها بر روی میز قاضی دارد، گفت باید برای ارتقای فرهنگ در جامعه بیش از پیش تلاش شود تا بسیاری از مسائل و آسیب های اجتماعی حل شود.

سجاد پور - معناد سابقه داری که شوهر خواهرش را به خاطر سرقت تلویزیون ال سی دی به طرز هولناکی در مشهد کشته بود، ضمن اقرار به جنایت مدعی شد که شوهر خواهرش بیش از حد اور انصیحت و سرزنش می کرد! به گزارش خراسان، شب بیستم شهریور، همسر مرد روحانی که به اتفاق دیگر اعضای خانواده اش از مشهد به منطقه درود نیشابور رفته بود، با شوهرش تماس گرفت اما کسی پاسخ گوی تلفن نبود! تماس های مکرر این زن جوان که همچنان بی پاسخ می ماند، موجی از نگرانی را به وجود آورد. هر لحظه بر شدت اضطراب اعضای خانواده افزوده می شد که فکری به ذهن زن جوان رسید. او با شماره تلفن یکی از بستگانش که در نزدیک منزل آن ها سکونت داشت، تماس گرفت و از او خواست تا خبری از همسرش بگیرد. آن مرد هم شبانه به منزل «احمد» (روحانی ۵۸ ساله) رفت ولی با صحنه وحشتناکی روبه رو شد. او که با مشاهده پیکر خون آلود «احمد» با چشمانی وحشت زده در جایش میخکوب شده بود، با دستانی لرزان به سوی پیکر غرق در خون مرد ۵۸ ساله رفت ولی او جانی در بدن نداشت. این گونه بود که تماس تلفنی این فرد با پلیس، نیروهای کلانتری طبرسی شمالی را به محل وقوع حادثه کشاند. ماموران انتظامی با دیدن فرش هاوبرده خون آلود، بی درنگ با قاضی ویژه قتل عدم مشهد تماس گرفتند و از وقوع جنایتی وحشتناک خبر دادند. گزارش خراسان حاکی است، ذایقی بعد قاضی علی اکبر احمدی نژاد به همراه گروهی از کارآگاهان زبده اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی عازم طبرسی ۵۹ شد و بلافاصله تحقیقات میدانی را آغاز کرد.

سرقت را داد چرا که تجربه وی بیانگر آن بود که لوازم دیگر منزل به هم نریخته است بنا بر این فرد یا افرادی آشنا به محل وارد منزل مسکونی شده اند! با این فرضیه مقدماتی، بررسی های تخصصی کارآگاهان بادستور قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد به سرپرستی سرهنگ علی بهرامزاده (رئیس دایره قتل عمد پلیس آگاهی) در باره وضعیت اخلاقی و اجتماعی فرزندان همسر اول «احمد» آغاز شد چرا که تحقیقات میدانی از مطلعان، از آشننگی وضعیت اجتماعی و اعتیاد بر خی از اعضای خانواده وی حکایت داشت. به همین دلیل کارآگاهان شبانه در کنار مقام قضایی عازم شهرک شهید باهنر (قلعه ساختمان) شدند و یکی از فرزندان همسر اول مقتول را در حالی مورد بازجویی قرار دادند که از شدت توهم ناشی از اعتیاد، حرف های بی ربطی را بر زبان جاری می کرد. آثار کبودی روی صورت و لکه خون روی لباس های این مظنون، از درگیری وی با فرد دیگری حکایت داشت اما او که از شدت خماری نمی توانست

دوم مرد ۵۸ ساله نیز کسب کند. ساعتی بعد اطلاعات شگفت انگیزی مقابل مقام قضایی قرار گرفت و مظنونان این حادثه وحشتناک را افزایش داد. بررسی های شبانه نشان داد جوان ۴۳ ساله ای به نام «غلامرضا» ح، که برادرزن دوم مقتول است ۱۵ سال از عمرش را به خاطر مواد مخدر پشت میله های زندان گذرانده و باز هم به دلیل سقوط در منجلاب اعتیاد، وضعیت اجتماعی اسفباری دارد. نزدیکی محل سکونت این مظنون به محل زندگی «احمد»، ظن قاضی ویژه قتل عمد را بیشتر کرد و بلافاصله دستور داد تا غلامرضا به کلانتری احضار شود.



عکس اختصاصی از خراسان

گزارش خراسان حاکی است قاضی علی اکبر احمدی نژاد که دیگر یقین داشت غلامرضا متهم اصلی پرونده است بلافاصله دستور آزادی دیگر مظنونان را صادر کرد و با طرح چند سوال تخصصی این متهم را به تناقض گویی انداخت. غلامرضا که دیگر همراه های فرار از مجازات را بسته می دید به ناچار لب به اعتراف گشود و گفت: دیگر از لیوان بزرگ معجون خوری حدود ۴۰ تا ۵۰ ضربه به سر و صورتش زدم او مقاومت کرد و پرده پنجره را کشید تا دیگران کمک بخواهد! در این هنگام قیچی بزرگی را از روی این آشپزخانه برداشتم و چند ضربه دیگر به سر و صورتش زدم که گوشش نیز بریده شد! ولی او هنوز مقاومت می کرد به ناچار طنبایی را دور گردنش انداختم و حدود ۲۰ دقیقه کشیدم! وقتی فهمیدم که دیگر جانی در بدن ندارد، تلویزیون ال سی دی ۴۶ اینچ او را داخل پوشش پشتی گذاشتم و به همراه گوشی تلفنش سرقت کردم! بنا بر این گزارش، در بازرسی صبحگاهی از منزل متهم به قتل که در طبرسی شمالی ۵۷ بود، تلویزیون سرقتی از لایه لای رختخواب ها و گوشی تلفن داخل کیسه سیمان کشف شد و این گونه این پرونده جنایی در حالی به نتیجه رسید که خورشید انوار طلایی خود را بر آسمان شهر پهن کرده بود! تحقیقات بیشتر در باره زوایای پنهان این پرونده جنایی بادستور سر هنگ محمدرضا غلامی ثانی (رئیس اداره جنایی پلیس آگاهی) توسط سرون جمالی (افسر پرونده) و با راهنمایی های مقام قضایی همچنان ادامه دارد.



عکس اختصاصی از خراسان

قاتل در حال تشریح صحنه جنایت وحشتناک در حضور قاضی احمدی نژاد

چشم هایش را باز نگه دارد در پاسخ به سوال قاضی که چند ساعت قبل کجا بودی؟ فقط تکرار می کردم نمی دانم! چیزی حالی ام نیست! بنا بر گزارش خراسان، در حالی که هنوز آثار توهم ناشی از مصرف مواد مخدر این جوان معتاد را به اول خود را طلاق داده و با زن دیگری از دواج کرده است در حالی که جای خالی تلویزیون در این منزل مسکونی خوندنمایی می کرد قاضی احمدی نژاد احتمال جنایت خانوادگی همسر

تعویش شبانه تن پوش هایش دچار تناقض گویی شده بود در خصوص آثار خراشیدگی روی پیکرش نیز به داستان سربایی پرداخت و خود را بی خبر از ماجرای قتل نشان داد ولی وقتی مدارک انکارناپذیری از حضوری در محل وقوع جنایت به دست آمد، مدعی شد که غروب روز حادثه نزد شوهر خواهرش رفته است اما بعد از ۴۵ دقیقه از منزل آن ها بیرون آمده و دیگر اطلاعی از او ندارد!

آگهی شناسایی معادن آهن هماتیت شماره ۹۸/۱۰۰۸ م/



شرکت مجتمع سیمان غرب آسیا (سهامی عام) در نظر دارد جهت تامین حدود ۵۰۰۰۰ تن سنگ آهن مورد نیاز سالیانه کارخانه، نسبت به شناسایی معادن فعال سنگ آهن هماتیت در منطقه تا شعاع ۳۰۰ کیلومتری کارخانه واقع در اراضی نصرآباد بالااجام اقدام نماید. لذا از کلیه صاحبان معادن فعال در سطح استان دعوت به عمل می آید در صورت آمادگی نسبت به معرفی و تحویل اسناد معادن خود بصورت مکتوب و پاکات در بسته (مجوزهای مربوطه و اطلاعات کمی و کیفی محصول و توانمندی های بارگیری و حمل و ...) حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۹۸/۰۶/۲۵ به یکی از آدرس های ذیل اقدام نمایند:

الف) دفتر کارخانه واقع در خراسان رضوی، کیلومتر ۴۵ جاده فریمان به تربت جام، شهر نصرآباد جنب روستای ابدال آباد (واحد بازرگانی) ب) دفتر مشهد واقع در خیابان سناباد بین سناباد ۴۳ و ۴۵ پلاک ۳۷۱ (واحد بازرگانی)

ج) دفتر تهران واقع در خیابان نلسون ماندلا (آفریقا)، نرسیده به چهار راه جهان کودک، کوچه سپر، پلاک ۱۴، طبقه ۲ (واحد بازرگانی)

مشخصات سنگ آهن مد نظر:
۱- ابعاد سنگ تحویلی می بایست: ۴۰۰- میلیمتر باشد.
۲- عیار سنگ آهن $65 \leq Fe2O3 < 60\%$
۳- مقدار رطوبت کمتر از ۳٪
۴- درصد $SiO_2 \leq 0.5\%$
بدیهی است نزدیک ترین آنالیز و مشخصات ارسالی مطابق با اطلاعات بالا ملاک استعلام در آینده قرار خواهند گرفت. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره های: ۰۵۱۵۲۶۲۳۸۶۰- ۰۵۱۵۲۶۲۳۸۷۹- واحد بازرگانی تماس حاصل فرمائید.

www.awcc.ir

info@awcc.ir

۹۸۰۷۷۲۲۰

آگهی شناسایی معادن سنگ گچ شماره ۹۸/۱۰۰۹ م/



شرکت مجتمع سیمان غرب آسیا (سهامی عام) در نظر دارد جهت تامین حدود ۵۰۰۰۰ تن سنگ گچ مورد نیاز سالیانه کارخانه، نسبت به شناسایی معادن فعال سنگ گچ در منطقه تا شعاع ۳۰۰ کیلومتری کارخانه واقع در اراضی نصرآباد بالااجام اقدام نماید. لذا از کلیه صاحبان معادن فعال در سطح استان دعوت به عمل می آید در صورت آمادگی نسبت به معرفی و تحویل اسناد معادن خود بصورت مکتوب و پاکات در بسته (مجوزهای مربوطه و اطلاعات کمی و کیفی محصول و توانمندی های بارگیری و حمل و ...) حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۹۸/۰۶/۲۵ به یکی از آدرس های ذیل اقدام نمایند:

الف) دفتر کارخانه واقع در خراسان رضوی، کیلومتر ۴۵ جاده فریمان به تربت جام، شهر نصرآباد جنب روستای ابدال آباد (واحد بازرگانی) ب) دفتر مشهد واقع در خیابان سناباد بین سناباد ۴۳ و ۴۵ پلاک ۳۷۱ (واحد بازرگانی)

ج) دفتر تهران واقع در خیابان نلسون ماندلا (آفریقا)، نرسیده به چهار راه جهان کودک، کوچه سپر، پلاک ۱۴، طبقه ۲ (واحد بازرگانی)

مشخصات سنگ گچ مد نظر:
۱- ابعاد سنگ های تحویلی می بایست: ۴۰- ۸۰ میلیمتر باشد.
۲- عیار سنگ گچ $42 \leq SO_3$
۳- $SiO_2 \leq 5\%$
۴- مقدار رطوبت $5 \geq IR$
۵- درصد آب تبلور سنگ گچ $19 \leq \%$
بدیهی است نزدیک ترین آنالیز و مشخصات ارسالی مطابق با اطلاعات بالا ملاک استعلام در آینده قرار خواهند گرفت. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره های: ۰۵۱۵۲۶۲۳۸۶۰- ۰۵۱۵۲۶۲۳۸۷۹- واحد بازرگانی تماس حاصل فرمائید.

www.awcc.ir

info@awcc.ir

۹۸۰۷۷۵۷۲

در امتداد تاریکی

نفرین آن پیرزن...!

به خاطر خرید و فروش مواد مخدر کار و بارم سکه شده بود و تلاش می کردم زندگی عقب افتاده ام را جبران کنم که روزی در خیابان با صحنه ای روبه رو شدم که عرشه بر اندام انداخت ...

مرد ۵۲ ساله ای که از رفتارهای خشن و باج گیری های پسر معتادش به تنگ آمده بود در حالی که ادعای می کرد پسر ۱۸ ساله اش با شکستن شیشه های منزل پول شیر خشک فرزندش را صرف خرید مواد مخدر کرده است به کارشناس اجتماعی کلانتری شقای مشهد گفت: ۱۲ سال بیشتر نداشتم که پدرم به خاطر ابتلا به بیماری سرطان در گذشت و ما به حاشیه شهر مشهد مهاجرت کردیم. برادر ۱۵ ساله ام که مسئولیت زندگی را عهده دار شده بود برای کار به شهرستان رفت تا بر ایمان پولی بفرستد. آن روزها اوایل انقلاب بود و من که ۱۲ سال بیشتر نداشتم مرد خانه شده بودم به طوری که گاهی با او یاش محله در گیر می شدم تا به خواهر انم متلک نگویند و این گونه احساس بزرگی و غروری می کردم. خلاصه اواخر جنگ ایران و عراق بود که به اصرار عمو خانواده ام با دختری که پدری ثروتمند داشت ازدواج کردم چرا که عمویم معتقد بود خانواده پولدار همسر، دستم را می گیرند و من در راه و آسایش زندگی می کنم اما این ازدواج دوامی نداشت همسرم به اعتقادات مذهبی پایبند نبود و خصوصیات اخلاقی و روحی اش با من سازگاری نداشت. او فقط به دنبال مادیات بود و حجابش را نیز رعایت نمی کردم من هم که جوانی غیرتی بودم نمی توانستم این رفتارها را تحمل کنم به همین دلیل او را طلاق دادم و چند سال بعد با دختری در سطح خودم ازدواج کردم. آن روزها به صورت پیمانکاری در شرکت مخابرات مشغول کار بودم که به خاطر ندانم کاری دار و ندارم را از دست دادم و سر از پاتوق معتادان در آوردم تا به قول معروف از افسردگی دوران ورشکستگی بیرون بیایم در این میان یکی از دوستانم چند لول تریاک به من داد تا بدهکاری اش را این گونه جبران کرده باشد. من هم به خاطر نیاززی که به پول داشتم آن ها را به قیمت کمتری فروختم و این گونه نیز به من کمک می مشتری جذب کردم به گونه ای که خیلی وقت ها معتادان به تریاک و شیر، پشت در خانه ام صف می کشیدند. در محله ما بسیاری از افراد گرچه از نظر مالی در مضیقه بودند اما صاحب هاقبل از رفتن به سر کار برای خریدن مواد مخدر نزد من می آمدند به طوری که همسر و فرزند انم نیز به من کمک می کردند تا زودتر مواد مخدر مشتریان را تامین کنیم در واقع مانند یک باند خانوادگی عمل می کردیم. صبح ها که من خواب بودم پسر انم مشتریان را راه می انداختند تا دست خالی باز نگردند و وقتی با خرده فروشی مواد مخدر کمی وضعیت مالی ام بهتر شد به خرید و فروش کلی مواد مخدر روی آوردم و خرده فروشی را کنار گذاشتم اما خیلی زود ماموران انتظامی به سراغم آمدند ولی من مواد مخدر را در مکان هایی جاسازی می کردم که از چشم ماموران پنهان می ماند. گاهی نیز دست به دعا می برداشتم تا ماموران مواد مخدرم را پیدا نکنند اما دعاها و تیز هوشی هایم نتیجه نداد و بالاخره روزی که مقداری مواد مخدر در کیف مدرسه پسرم پنهان کرده بودم ماموران انتظامی آن را کشف کردند و من راهی زندان شدم به خاطر این که سابقه ای نداشتم و برای اولین بار دستگیر شده بودم دادگاه حداقل مجازات را بریم تعیین کرده بود از سوی دیگر نیز مورد عقو قرار گرفتم و چند ماه بعد از آن داشدم. احساس می کردم خیلی از زندگی عقب افتاده ام و باید بدهکاری هایم را با خرید و فروش بیشتر مواد مخدر جبران کنم این گونه بود که دوباره در سطح گسترده تری به فروش مواد مخدر پرداختم. آرام آرام وضعیت مالی ام بهتر شد و سعی می کردم بهترین امکانات را برای فرزند انم فراهم کنم تا این که روزی به طور اتفاقی در خیابان پیرزنی را دیدم که اشک ریزان و ناله کنان دستانش را رو به آسمان گرفته بود و در حالی که می گفت خدا لعنت کند کسانی را که

مواد مخدر به تو می فروشند تا تو این پیرزن را مانده را برای گرفتن پول کتک بزنی در حالی که من شب های زیادی را بیدار ماندم تا بزرگ شوی! وقتی به جوان مورد اشاره پیرزن نگاه کردم ناگهان عرشه بر اندام افتاد آن جوان یکی از مشتریان من بود! با وجود این بی توجه به آن ها از آن محل عبور کردم ولی طولی نکشید که دوباره دستگیر شدم و این بار قانون همه اموال را مصادره کرد. وقتی از زندان آزاد شدم دیگر چیزی نداشتم و همسرم به بیماری سرطان مبتلا شده بود و پسر ۱۸ ساله ام نیز شیشه و کریستال مصرف می کرد برای آن که دیگر سراغ فروش مواد مخدر نروم در یک پروژه ساختمانی به عنوان نگهدارنده مشغول کار شدم اما پسر معتادم که از دواج کرده و نوزاد شیر خواره ای نیز دار و برای تامین هزینه های مواد مخدر روزگارم اسیاب کرده است به طوری که چند روز قبل مرا کتک زد و برای گرفتن مبلغی که برای تامین هزینه شیر خشک فرزندش به عروسم داده بودم شیشه ها را شکست و با چاقو تهدیدم کرد آن جابود که به یاد نفرین های آن پیرزن افتادم و ...

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری

خراسان رضوی